

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: وبلاگ کرادله، ۲۹ اگست ۲۰۲۲*

نویسنده: محمد سلامی

برگردان: سایت «۱۰ مهر»

۱۴ سپتمبر ۲۰۲۲

کشورهای عربی، بن بست امریکا و چین را چگونه درک می‌کنند

کشورهای غرب آسیا ادعاهای حاکمیتی چین بر تایوان را به رسمیت می‌شناسند، با این حال بسیاری از آنها از نظر نظامی و سیاسی هنوز به ایالات متحده متکی هستند، بنابراین آنها کجا ایستاده‌اند؟



روابط میان شورای همکاری خلیج فارس و واشنگتن در بهترین حالت خود قرار ندارد. تجارب ناامیدکننده اخیر از حمایت ناموفق ایالات متحده – به‌عنوان مثال، حملات راکتی انصارالله یمن به تأسیسات نفتی، زیرساخت‌ها و شهرهای عربستان و امارات – باعث تجدیدنظر در مورد امنیت شده است و کشورهای عربی به دنبال تقویت امنیت خود به طور مستقل یا جمعی در چارچوب یک سازمان هستند. چارچوب منطقه‌ای گزینه دوم به طور فعال توسط چین، روسیه و قدرت منطقه‌ای ایران حمایت می‌شود.

برای تداوم سرمایه‌گذاری در منطقه، ابتداء باید یک محیط پایدار و امن وجود داشته باشد. در چنین شرایطی است که عربستان سعودی با جدیت بیشتری به دنبال مذاکرات نزدیک‌تر با ایران بوده است و این که چرا کویت و امارات سفیران خود را در تهران مستقر کرده‌اند.

سفر جنجالی نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان امریکا به تایوان در اوایل ماه جاری، موجی از نگرانی را در سراسر آسیا – چه شرق و چه غرب – ایجاد کرد و روابط نه چندان آشتی‌جویانه بین ایالات متحده و چین را بیشتر متشنج کرد.

در طول سفر تحریک‌آمیز پلوسی، اکثر کشورهای غرب آسیا از چین و سیاست «چین واحد» حمایت کردند که نشان‌دهنده نفوذ فزاینده بیجینگ در سراسر منطقه است. کشورهای عربی به‌ویژه به سیاست چین واحد متعهد هستند و با

توجه به روابط اقتصادی رو به رشد خود با بیجینگ، به‌خاطر هیچ کشوری از جمله ایالات متحده، تمایلی برای قربانی کردن آن نشان نداده‌اند.

حمایت اعراب از چین

تأکید بر این که حمایت اعراب از چین دارای مشروعیت بین‌المللی است، حائز اهمیت است: ملل متحد از سال ۱۹۷۱، زمانی که مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه ۲۷۵۸، از چین متحد حمایت کرد و نمایندگان جمهوری خلق چین را به‌عنوان تنها نمایندگان چین به رسمیت شناخت، از موضع بیجینگ حمایت کرده است. موضع ما بسیار روشن است. آنتونیو گوترش، دبیرکل ملل متحد، در یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۳ اگست، یک روز پس از سفر نانسی پلوسی به تایوان گفت: ما به قطعنامه‌های مجمع عمومی، به سیاست چین واحد پایبند هستیم و این همان جهت‌گیری است که در هر کاری انجام می‌دهیم. به همین ترتیب، اتحادیه عرب نیز برای نشان دادن حمایت از حاکمیت چین تلاش کرد. حسام زکی، دبیرکل این کشور در تماس تلفونی با سفیر چین در قاهره گفت که موضع اتحادیه «برپایه حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی چین و پایبندی قاطعانه به اصل چین واحد است.»

متعادل کردن روابط

در گذشته، کشورهای عربی - به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس تحت حمایت ایالات متحده - هنگام اتخاذ موضع در اختلافات مربوط به بیجینگ و واشنگتن، باید ملاحظات مهم را به‌دقت متعادل می‌کردند. با این حال، در طول دهه گذشته، در فرمولبندی آنان، تغییراتی رخ داده است: اولاً، چین به‌سرعت در حال ایجاد قراردادهای قوی اقتصادی، تجاری و زیرساختی با واژه‌های عربی است که تا حدودی نفوذ ایالات متحده را در منطقه کاهش داده است. بیجینگ اکنون با حدود ۲۰ کشور عربی برای پیشبرد اجرای طرح بلندپروازانه کمربند و جاده (BRI) به توافق رسیده است که هدف آن ایجاد ارتباط و مسیرهای زمینی/بحری در سراسر خشکی آسیا است. ثانیاً، تشنج بین ایالات متحده و چین، کشورهای منطقه را وادار کرده است که به‌طور فعال برای ایجاد تعادل بین این دو و در عین حال حفظ استقلال خود از هر دو تلاش کنند. کاهش نفوذ ایالات متحده و افزایش نفوذ چین، این امر را بیش از پیش مخاطره‌آمیز می‌کند. در نوامبر ۲۰۲۱، وال استریت ژورنال گزارش داد که چین در حال ساخت یک بندر مخفی در ابوظبی است. در حالی که این پروژه اهدافی نظامی نداشت و برای استفاده نظامی ساخته نمی‌شد، ایالات متحده بشدت بدان اعتراض کرد و امارات هم به سرعت ادامه کار این تأسیسات را متوقف ساخت. انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس امارات، در جریان سخنرانی در مؤسسه کشورهای عربی خلیج فارس در واشنگتن، در دسامبر گذشته، خاطر نشان کرد که «امارات ادامه کار این تأسیسات را متوقف کرد. اما موضع ما همان است که این تأسیسات واقعاً تأسیساتی نظامی نبود.» وی افزود که امارات نگرانی‌های متحدان خود (در اینجا به ایالات متحده اشاره دارد) را در نظر می‌گیرد.

با این حال، از سوی دیگر، زمانی که ایالات متحده از مقامات اماراتی خواست تضمین دهند که به دلیل فروش جت‌های جنگنده F-35 به امارات، فناوری را به چین منتقل نمی‌کنند، اماراتی‌ها تصمیم گرفتند قرارداد را لغو کنند. علاوه بر این، ابوظبی به نگرانی‌های واشنگتن در مورد همکاری با بیجینگ در مورد توسعه شبکه 5G چین پاسخی نداد.

نفوذ فزاینده چین

بهترین نمونه اقدام برای چنین موازنه‌ای را شاید در عربستان سعودی ببینیم. به دلیل تصور ریاض از تهدید امنیتی فزاینده از سوی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰ که انقلاب ایران به ثمر نشسته بود، ریاض در یک معامله مخفیانه با چین برای ایجاد یک پایگاه راکتی در خاک خود شرکت کرد.

هنگامی که دولت ریگان در سال ۱۹۸۸ از این موضوع مطلع شد، از ملک فهد بن عبدالعزیز آل سعود خواست که فوراً پایگاه را تعطیل کند. پادشاه عربستان از او تبعیت نکرد و در عوض سفیر امریکا در ریاض را از کشور اخراج کرد. پایگاه راکتی تا به امروز نیز فعال باقی مانده است که نمادی از یک شکست بزرگ اولیه در روابط دوجانبه است. روابط بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) و چین در دهه گذشته به ضرر واشنگتن تغییر کرده است. پروژه عظیم کمربند و جاده چین BRI بشدت به زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشورهای عربی نفوذ کرده و دامنه را برای واشنگتن به معنای مجموع صفر محدود کرده است.

چین اکنون در غرب آسیا نسبت به امریکا، فضای بیشتری پیدا کرده است. بیشتر اینها به خستگی منطقه از فشارهای نظم تک قطبی در جهان، و ظهور ناگهانی یک سیستم چند قطبی کمتر مزاحم مربوط می‌شود.

درواقع، سیاست غرب آسیای بیجینگ، تمرین عدم مداخله در امور سیاسی کشورهای منطقه است. کشورهای عربی، به‌ویژه، دریافت کمک‌های اقتصادی و فنی چین را بدون اجبار به اصلاح نظام‌های سیاسی خود در پاسخ به نگرانی‌های گزینشی و ناسازگار «بشر دوستانه» غربی، مطلوب‌تر می‌دانند.

فقدان تاریخ امپریالیستی چین در غرب آسیا، استقبال اعراب از پیشنهادات بیجینگ را بدون پشداوری آسان کرده است، در حالی که غرب - با مقاومت در برابر میراث استعماری خود - به مداخله تهاجمی در برخی از جنجالی‌ترین و مخرب‌ترین درگیری‌ها در منطقه ادامه می‌دهد.

یک مصرف‌کننده حیاتی

نکته مهم این است که چینی‌ها در این مدت به یکی از بزرگترین خریداران سوخت‌های فوسیلی خلیج فارس تبدیل شده‌اند. این تحول براحتی همزمان با افزایش بی‌میلی ایالات متحده برای خرید نفت از غرب آسیا به‌منظور کاهش وابستگی به انرژی خارجی و دنبال کردن سیاست‌های انرژی سبزتر است.

یک سوم واردات نفت چین از شورای همکاری خلیج فارس انجام می‌شود که بیشترین آن از عربستان سعودی است. شرکت‌های چینی یک ششم نفت صادراتی شورای همکاری خلیج فارس، یک پنجم نفت ایران و نیمی از صادرات نفت عراق را خریداری می‌کنند. ناگفته نماند که چین بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی و شریک تجاری در منطقه است.

به‌عنوان مثال، در پایان سال ۲۰۲۱، حجم تجارت دوجانبه سالانه با عربستان سعودی ۸۷/۳۱ میلیارد دلار بود که ۲۰۰ برابر بیشتر از ۴۱۸ میلیون دلاری است که در سال ۱۹۹۰ با برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور وجود داشت، یعنی کمی بیش از ۳۰ سال پیش. تنها چند روز پس از سفر جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا به جده در ماه جولای،

شرکت نفتی سعودی آرامکو یادداشت تفاهمی با شرکت دولتی سینوپک چین برای همکاری در زمینه‌های از جمله «فرایندهای جذب کربن و هیدروژن» امضاء کرد.

سفر قریب‌الوقوع شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین به ریاض - پس از ممنوعیت سفر دو ساله کووید - از ۱۹ جنوری ۲۰۲۰ - دلیل دیگری بر نفوذ قابل توجه چین در حال حاضر در منطقه است.

در جولای ۲۰۱۹، رئیس امارات، محمد بن زاید (MbZ) تأکید کرد که پایه‌های روابط چین و امارات برای ۱۰۰ سال آینده گذاشته شده است: «حقیقت این است که روابط ما فقط ۳۵ سال پیش آغاز نشد، بلکه با اجداد عرب ما آغاز شد. تاریخ ما به هزاران سال قبل بازمی‌گردد».

آیا می‌توان جایگزین امریکا شد؟

اگرچه ایالات متحده در مورد روابط رو به رشد چین و اعراب ساکت نیست، اما در حال حاضر به هیچ‌وجه توانایی مقابله را ندارد. دولت بایدن مشتاق بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس است - تا حدی به دلیل افزایش سرسام‌آور قیمت‌های انرژی - و تاکنون از اعمال فشار بیشتر بر اعراب خودداری کرده است.

با این حال، کشورهای عربی این را پذیرفته‌اند که چین نه می‌خواهد و نه می‌تواند برای تضمین امنیت این کشورها جایگزین امریکا شود. به همین دلیل، همکاری امنیتی و نظامی بزرگترین اهرم فشار امریکا در برابر نفوذ فزاینده بیجینگ است.

علاوه بر ضمانت‌های امنیتی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای حمایت دیپلماتیک در سطح بین‌المللی و در مجامع جهانی نیز به واشنگتن وابسته هستند. این منطقه‌ای نیست که در آنجا بیجینگ به‌طور قاطعانه از نفوذ خود استفاده کند. و از آنجائی که شیخ‌نشین‌های خلیج فارس دقیقاً به‌خاطر سوابق حقوق بشر نمونه خوب شناخته نمی‌شوند، ایالات متحده همچنان مهمترین حامی آنها در این حوزه است. به‌عنوان نمونه اخیر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، زمانی که عربستان سعودی به دلیل قتل وحشیانه جمال خاشقجی، ستون‌نویس واشنگتن پست تحت نظر قرار گرفت، از عربستان حمایت کرد. دولت او اجازه گشایش یک پرونده جهانی علیه محمد بن سلمان ولیعهد در دادگاه‌های بین‌المللی را نداد.

خلاف فشارهای بی‌امان جهانی علیه ایران بر سر اجرای سیاست هسته‌اش، ریاض به‌دنبال توسعه تولید اورانیوم و راکت‌های بالستیک است که از سوی واشنگتن براحتی نادیده گرفته شده است. ترامپ حتی به طور مخفیانه به هفت شرکت امریکائی اجازه داده بود که اطلاعات انرژی هسته‌ئی را بدون تأیید کنگره به عربستان سعودی منتقل کنند.

امارات متحده عربی نیز پس از این که به نمایندگی از ابوظبی برای لابی کردن بین تصمیم‌گیرندگان در واشنگتن به توماس باراک، سرمایه‌گذار سهام خصوصی و دوست نزدیک ترامپ و دو نفر دیگر پول پرداخت کرد، از حمایت و پشتیبانی مشابهی برخوردار شد.

یک متحد غیرقابل اعتماد

پس از سفر پلوسی به تایپه و مانورهای نظامی واکنشی چین، تعدادی از شرکت‌های خارجی فعال در تایوان در حال بررسی امکان جابجائی هستند. با توجه به موقعیت ستراتیژیک این جزیره در امتداد یکی از شلوغ‌ترین خطوط کشتیرانی جهان، مانورهای منظم نظامی چین در نزدیکی تایوان می‌تواند پیامدهای جدی برای مسیرهای ترافیکی هوائی

و بحری داشته باشد. بر اساس گزارش بلومبرگ، تقریباً ۵۰ درصد از کشتی‌های کانتینری جهان و ۸۸ درصد از این کشتی‌های بزرگ در هفت ماه اول سال از تنگه تایوان عبور کرده‌اند. افزایش تشنج باعث شده است که کشورهای منطقه نسبت به آنچه در پیش است ابراز نگرانی کنند. ویویان بالاکریشنان، وزیر امور خارجه سنگاپور اخیراً گفت: «خطری وجود دارد، اگرچه می‌دانم که شما نمی‌خواهید وارد جنگ شوید، اما خطر تصادفات و محاسبات اشتباه وجود دارد». ما در واقع می‌خواهیم دما پائین بیاید. او توضیح داد که در واقع برای آسیای جنوب شرقی بسیار مهم است که چین و ایالات متحده با هم کنار بیایند.

حمایت از چین اما در کنار امریکا

هنگامی که کشورهای عربی مشاهده می‌کنند که ایالات متحده نمی‌تواند اقدامات مؤثری برای تأمین امنیت اقتصاد تایوان در میان رویارویی فزاینده با چین انجام دهد، اعتماد خود را به ایالات متحده به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد از دست می‌دهند. شیخ‌نشین‌های خلیج فارس اخیراً تلاش‌های زیادی برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و میزبانی صدها شرکت خارجی انجام داده‌اند - زیرا آنها چیزهای زیادی برای از دست دادن دارند.

روابط میان شورای همکاری خلیج فارس و واشنگتن در بهترین حالت خود قرار ندارد. تجارب ناامیدکننده اخیر از حمایت ناموفق ایالات متحده - به‌عنوان مثال، حملات راکتی انصارالله یمن به تأسیسات نفتی، زیرساخت‌ها و شهرهای عربستان و امارات - باعث تجدیدنظر در مورد امنیت شده است و کشورهای عربی به‌دنبال تقویت امنیت خود به‌طور مستقل یا جمعی در چارچوب یک سازمان هستند. چارچوب منطقه‌ای گزینه دوم به‌طور فعال توسط چین، روسیه و قدرت منطقه‌ای ایران حمایت می‌شود.

برای تداوم سرمایه‌گذاری در منطقه، ابتداء باید یک محیط پایدار و امن وجود داشته باشد. در چنین شرایطی است که عربستان سعودی با جدیت بیشتری به‌دنبال مذاکرات نزدیک‌تر با ایران بوده است و این که چرا کویت و امارات سفیران خود را در تهران مستقر کرده‌اند.

تشنج میان امریکا و چین در تایوان نگرانی کشورهای غرب آسیا را برانگیخته است. اگرچه آنها در این موضوع از چین حمایت کرده‌اند، اما ترجیح آنها این است که بی‌طرف بمانند و در عین حال با دقت تلاش می‌کنند از نفوذ جنگ قدرت‌های بزرگ به منطقه جلوگیری کنند.

برای منطقه، مهم‌ترین پیامد بن‌بست چین و امریکا، ناامیدی فزاینده آن از تحریکات مداوم و غیرضروری قدرت بزرگ واشنگتن و ناتوانی ایالات متحده در تضمین امنیت در همه جاست. از سوی دیگر، چین همچنان بی‌سروصدا به استفاده از ستراتیژی‌های قدرت نرم که بیشتر برای غرب آسیای خسته جذاب است، ادامه می‌دهد: دیپلماسی، اقتصاد، و همکاری متقابل سودمند در مجموعه‌ای از موضوعات کلیدی.

[* https://thecradle.co/Article/Analysis/۱۴۹۳۹](https://thecradle.co/Article/Analysis/۱۴۹۳۹)